

تحلیل نمادینگی عناصر آب و آتش در شاهنامه و مهابهارات

دکتر شکوفه دارابی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس فاطمه الزهرا (س) تبریز darabi_sh@yahoo.com

داستان‌های اسطوره‌ای به صورت یک اعتقاد، همیشه حس کنجکاوی بشر را اقناع می‌کرده‌اند و در طی زمان به عنوان تنها پاسخ مشروع، به تقدسی دست یافته‌اند که مورد پذیرش همه‌ی مردمان حتی متفکران نیز واقع شده‌اند» (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۳).

مشهورترین حماسه‌های موجود در ادبیات جهان، ابتدا در ایران و هند و بین‌النهرین در قاره‌ی آسیا و یونان و روم باستان شکل گرفته است. معروف‌ترین اثر حماسی ایران، شاهنامه است که حکیم ابوالقاسم فردوسی در آن از تاریخ ایران باستان و اعتقادات و باورهای کهن سخن رانده است. مهابهارات نیز با یک صد هزار بیت از بزرگترین حماسه‌های منظوم جهان است. «این منظومه با زبان سانسکریت با حجم درخور توجه اثری است ماندگار از فرهنگ برهمنی که احتمالاً دو هزار سال پیش سروده شده» (شالیان، ۱۳۸۵: ۱۵۸).

«مهابهارات را دایره‌المعارف هندو نامیده‌اند، زیرا پیرامون وضع اجتماعی و مذهبی و اخلاقی نظم قدیم هند به ندرت موضوعی را می‌توان یافت که در این کتاب نیامده باشد. هیچ یک از منظومه‌های موجود جهان، از حیث کمیت همسنگ این منظومه نیست.

مهابهارات بیش از دو برابر مجموع محتوای ایللیاد و اودیسه منسوب به هومر شاعر باستان یونان است. هم‌چنین این کتاب از همتای هندی خود یعنی رامایانا کلان‌تر است؛ ولی از حیث قدمت رامایانا بر مهابهارات تقدم دارد و نیز مهابهارات از لحاظ کمیت از شاهنامه فردوسی حجیم‌تر و بزرگ‌تر می‌باشد، اما فاقد نظم و ترتیبی است که اثر فردوسی واجد آن است. در نظر هندوان این منظومه بلندتر از قله کوه هیمالیا و ژرف‌تر از اقیانوس و مخزن مروریدهای دریاها توصیف شده است» (جلالی نائینی، ۱۳۷۵: ۴۶۴).

آفرینش جهان و پیوند زندگی انسان با عناصر طبیعت، از جمله مفاهیمی است که در اساطیر و متون حماسی اهمیت ویژه‌ای داشته است. شرح پدیده‌های طبیعی از جمله چگونگی شکل‌گیری آسمان، زمین، آب، نحوه پیدایش گیاه و نخستین انسان پیوسته از موضوعات مورد بحث بوده و همواره ذهن بشر جستجوگر را به خود مشغول داشته است و منشأ ساخت اسطوره‌های بسیار گشته است. هیچ‌کس به درستی نمی‌داند زمان شکل‌گیری این اسطوره‌ها از چه تاریخی بوده، اما هر چه هست، به قدیمی‌ترین لایه‌های زندگی بشری باز می‌گردد. کنجکاوی درباره‌ی چگونگی آفرینش پدیده‌های هستی، مختص بعضی آدمیان و دوره و زمان خاصی نیست و اساطیر، منعکس‌کننده‌ی چالش فکری هر قوم و ملتی به شمار می‌آیند.

به نظر می‌رسد حماسه‌ها ریشه‌ی اساطیری نزدیک و یکسانی داشته، اما در اثر گذشت زمان، تفاوت‌های محسوس و قابل توجهی نسبت به هم

چکیده

مردمان باستان، جهان را دستکار یا زاده‌ی خدایان می‌دانستند، برای طبیعت و نیروهای نهفته در آن قداست خاصی قائل می‌شدند و حتی برای هریک از این عناصر، خدایی جداگانه در نظر می‌گرفتند. احترام به آب و آتش حکایت از پیوند طبیعت با زندگی بشر دارد. از سوی دیگر غیر قابل کنترل بودن این قوای طبیعی، بشر را به دعا و اظهار عجز در برابر آنان وا داشته و قدرت فوق‌العاده‌ی این عناصر، مقامی خداگونه به آنان بخشیده است.

از آنجایی که روایت‌های اسطوره‌ای ایران و سایر اقوام از جمله هند به یکدیگر شباهت دارند و اسطوره‌ها؛ نمایشگر اندیشه‌های اقوام گوناگون هستند، حماسه‌ها نیز از جهت ارتباط با اسطوره، بهترین منبع برای آگاهی از چند و چون تفکر اولیه و جهان بینی و آمال مردمان به شمار می‌آیند. لذا در این پژوهش کوشیده شده است، به عناصر آب و آتش در شاهنامه‌ی فردوسی و حماسه‌ی ملی هندوان، مهابهارات پرداخته شود و از رهگذر بررسی تطبیقی، همانندی‌های فکری این اقوام را در گذشته تبیین گردد. **کلمات کلیدی:** آب، آتش، شاهنامه، مهابهارات.

مقدمه

آفرینش عناصر طبیعت و جهان از جمله مفاهیمی است که همواره ذهن بشر را به چالش و تفکر درباره‌ی خود واداشته و به گونه‌ای عمیق در تار و پود باور او ریشه دوانیده است. مردمان باستان درباره‌ی چگونگی پیدایش عالم، پرسش‌های فراوانی در ذهن خود داشتند و با خلق داستان‌های اساطیری تلاش می‌کردند، تا ماده‌ی اولیه‌ی طبیعت و علت تغییرات آن را بشناسند و به جوابی مقبول و قانع کننده برای این پرسش‌ها برسند. طبیعت همواره در پیدایش تحولات مذهبی مردمان باستان، نقشی با اهمیت و تأثیرگذار داشته است. بشر نخستین عناصر طبیعت را صاحب نیرویی ماورایی و دارای روح و باریگر قهرمانان می‌پنداشت و این عناصر را در طول زمان‌های متمادی به خدایان متعدد تغییر داد. گاه علیرغم قداستی که طبیعت برای آدمیان داشت، به سبب داشتن قوای ویرانگر، نماد اهریمن نیز محسوب می‌شد.

«پیدایش جهان و انسان، موضوعی است که همیشه مورد سؤال و تحقیق اندیشمندان قرار گرفته است، تا آنجا که تاریخ و اسناد باز مانده از گذشتگان به ما اجازه تحقیق می‌دهند، به مطالبی در این باره برمی‌خوریم که مورخان در مورد آغاز جهان و خلقت انسان مطرح می‌کنند و در ظلمت‌های فراسوی هزاره‌ها که از تابش انوار تاریخ خبری نیست، اساطیر همانند ستارگانی می‌درخشند و مسیر تفکر و اندیشه‌ی بشری را به ما نشان می‌دهند. این